

بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه امور شهری مرتبط با شهرداری

دکتر یوسف امینی^۱ و محمد امینی^۲

تاریخ وصول: ۹۴/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱

چکیده:

هدف پژوهش، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه‌ی امور شهری مرتبط با شهرداری در بین شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شوشتر است. در این تحقیق به ابعاد مشارکت شهروندان و عوامل آن پرداخته شده است. مبانی نظری تحقیق حاضر بر پایه‌ی دیدگاه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی مشارکت استوار است. روش تحقیق، روش پیمایشی است؛ همچنین در این تحقیق از مطالعه‌ی اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از ابزار «پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته» بهره گرفته شده است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۷۳ نفر تعیین شد. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، بین متغیرهای مستقل رضایتمندی شهروندان، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، آگاهی شهروندان و درآمد با متغیر وابسته‌ی میزان مشارکت رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و جهت رابطه‌ها مثبت و مستقیم است. بعبارت دیگر هر چقدر میزان رضایتمندی، اعتماد، آگاهی، احساس تعلق و درآمد شهروندان بالا برود میزان مشارکت هم بیشتر می‌شود. یافته‌ها تفاوت میزان مشارکت را در بین شاغلین و غیر شاغلین تأیید می‌کند و همچنین میانگین نمره‌ی مشارکت اجتماعی در طبقات مختلف به لحاظ آماری و بر اساس مقدار F معنی‌دار می‌باشد و میزان مشارکت در طبقات متوسط و بالا بیشتر است ضمن اینکه مدت زمان سکونت در محل، متغیر بسیار مهمی است که معنی‌دار است به گونه‌ای که هر چه مدت زمان سکونت در محل بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان بیشتر می‌شود.

مفاهیم کلیدی: نگرش، شهروند، مشارکت اجتماعی، امور شهری، شوشتر

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر (نویسنده‌ی مسئول)
yousefamini@gmail.com

^۲ مدرس و کارشناس ارشد مشاوره
mohammadamini921@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

افزایش جمعیت و شهرنشینی به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر در یک‌صد سال اخیر هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را در بر گرفته است. به‌طوری که بسیاری از جوامع معاصر، دارای شهرهای پرجمعیت چند میلیونی هستند. پیش از سال ۱۹۰۰ میلادی رشد شهرنشینی، مربوط به کشورهای غربی بود، اما از ابتدای قرن بیستم، دامنه‌ی شهرنشینی به کشورهای در حال توسعه نیز کشیده شد و در دهه‌های اخیر جمعیت شهرنشین اغلب کشورهای در حال توسعه بیش از جمعیت روستانشین آنها است (گیدنز، ۱۳۷۳).

صنعتی‌شدن، شهرنشینی و گسترش دستگاه‌های اداری به‌عنوان عوامل مؤثر در دگرگونی جوامع غربی در قرون اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این راستا، متفکرینی مانند دورکیم، وبر، مارکس، زیمل و مانهایم هر یک به نوعی به عوامل فوق اشاره داشته‌اند. گسترش شهرها در نتیجه‌ی افزایش جمعیت و مهاجرت از روستاها پدید آمده‌است. همچنین مهاجرت از روستا به شهر باعث تراکم جمعیت شهر می‌شود و این در حالی‌ست که مهاجران وارد شده به شهر با اوضاع و احوال زندگی شهری خو نگرفته‌اند.

روند سریع انتقال جمعیت از روستا به شهر در برخی شهرها با ایجاد منابع و امکانات کافی شهری مانند مسکن، آب، برق و ... همراه نبوده است و کمبودهایی احساس شده است. از طرف دیگر افزایش جمعیت، گسترش فیزیکی شهر را در پی داشته و ارائه‌ی خدمات شهری را مشکل کرده‌است. بدین ترتیب مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، آلودگی هوا ناشی از تردد اتومبیل‌ها، حاشیه‌نشینی و بیکاری، از جمله عوامل نارضایتی شهری است. در جهان معاصر، حل مسائل شهری، جز با شناختن نیازها، خواسته‌ها و نگرش‌های شهروندان امکان‌پذیر نیست و شناخت مسائل، جز با پژوهش میسر نیست و پژوهش‌های اجتماعی می‌توانند مورد استفاده‌ی سیاست‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و ... قرار گیرد. آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می‌توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند، زمینه‌ی مساعدی برای برقراری ارتباط منطقی و صحیح بین نهاد خدمت‌رسان به شهروندان و خود شهروندان فراهم ساخته و اعتماد میان شهروندان و مدیریت شهری برقرار می‌شود. مشارکت شهروندان در امور شهری می‌تواند در تأمین منابع اقتصادی، کاهش هزینه‌ی خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان مؤثر باشد. لذا مسأله‌ی اساسی این پژوهش، تبیین این نکته که اولاً عوامل

اجتماعی، اقتصادی و زمینه‌ای مؤثر بر مشارکت شهروندان کدامند؟ ثانیاً، راهکارهای اساسی برای افزایش میزان مشارکت شهروندان کدام است؟

اهداف پژوهش

هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه‌ی امور شهری مرتبط با شهرداری است. بطور اخص، هدف از تحقیق، سنجش میزان مشارکت شهروندان با عوامل اقتصادی، اجتماعی و زمینه‌ای است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در عصر حاضر، همراه با پیشرفت‌های تکنولوژی، مسائل مهم و پیچیده‌ای بوجود آمده است. گسترش شهرنشینی در دهه‌های اخیر به ویژه افزایش جمعیت تهران و کمبود امکانات رفاهی متناسب با این افزایش جمعیت، مشکلات اجتماعی پیش روی مدیریت شهری قرار داده است. بدین ترتیب بررسی و سنجش عوامل اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان به‌عنوان هدف اصلی این تحقیق می‌تواند حائز اهمیت باشد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

در یک تحقیق، مشارکت فرایندی توصیف شده‌است که توسط آن مردم می‌توانند خود را سازمان دهند و از طریق آن در فعالیت‌های توسعه‌ی محلی توان اظهارنظر یابند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳).

همچنین روابط اجتماعی و تعامل‌ها یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق عنوان شده بطوری که تعامل اجتماعی خمیرمایه‌ی هسته‌ی مرکزی گروه یا اجتماع را تشکیل می‌دهد و در شکل‌گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. در میدان‌های تعاملی است که افراد به مبادلات عاطفی می‌پردازند و در نتیجه‌ی این فرایند، پیوند میان اعضای گروه یا اجتماع عمیق می‌گردد و احساس تعلق جمعی شکل می‌گیرد و این احساس شرایط لازم را برای اجتماع اخلاقی آماده می‌سازد و تعهد، اعتماد، گذشت و فداکاری در افراد جامعه زمینه‌ی رشد می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۲). در مطالعه‌ی دیگر، با تکیه بر جنبه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی، مشارکت پدیده‌ای دانسته شده که دارای چهار بعد صیانت نفس، درک نفس، قدرت تصمیم برای خود و تسلط بر نفس است. به‌عبارت

دیگر مشارکت رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل است (حامد مقدم، ۱۳۷۰). در پژوهش دیگر، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در مساجد مناطقی از تهران مورد بررسی قرار گرفته است (شایگان، ۱۳۷۸). در یک پژوهش نیز مشارکت، حرکت آگاهانه، فعال، آزاد، و با مسئولیت که برای تثبیت امور جامعه ضروری است عنوان شده است (شادی‌طلب، ۱۳۷۲). مبانی نظری تحقیق حاضر بر دیدگاه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی مشارکت مبتنی است. در دیدگاه روانشناختی مشارکت، بر عوامل روانی و درونی تأکید می‌شود. از این دیدگاه، متغیرهای درونی همان تفاوت‌ها در ظرفیت‌هایی است که سبب می‌شوند افراد از حیث آمادگی برای عکس‌العمل‌های گوناگون در برابر محرک‌های اجتماعی و یا ترغیب مشارکت در مسائل اجتماعی متفاوت باشند. اندیشمندانی که در بررسی عوامل مرتبط با فعالیت‌های مشارکتی افراد، عوامل درونی را ذکر کرده‌اند، ساخت انگیزشی را تعیین‌کننده رفتار اجتماعی آنها دانسته‌اند. در دیدگاه روانشناختی مشارکت بر عوامل انگیزه و ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی تأکید می‌شود. از این نظر در بررسی فعالیت‌های مشارکتی افراد باید به میزان احساس تعلق او به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و نیز انگیزه‌ی پیشرفت، انگیزه‌ی شایستگی و انگیزه‌ی کار توجه داشت.

در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. از این دیدگاه، فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین‌کننده‌ی میزان مشارکت افراد هستند. صاحب‌نظران این دیدگاه، فرایندهای ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت، پویایی گروهی، سطح آموزش و منزلت اجتماعی را بر مشارکت مؤثر دانسته‌اند. به زعم آنان، حرکت‌های ساختاری اجتماعی، اقتصادی، نگرش‌های مثبت و منفی مشارکتی افراد را شکل می‌دهند. این نیروها از مجرای ساخت خانوادگی و عوامل تربیت اجتماعی بر کنش کنشگران اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

بدین ترتیب لرنر بر سه فرایند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای اشاره می‌نماید. وینر گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت و تکوین نوسازی را دلائل عمده‌ی مشارکت افراد ذکر می‌کند. لیپست در بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی متغیرهای اجتماعی مختلف را وارد می‌داند؛ همچنین هانتینگتون منزلت طبقاتی بالاتر و سپس پویایی و احساس گروهی را زمینه‌ی شکل‌گیری مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌داند.

از نظر لرنر، شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای و انتخاباتی در ارتباط متقابل با یکدیگرند و مشارکت در آنها به معنای مشارکت در سیستم کلی جامعه است. به نظر او با گسترش نهادهای مشارکتی، فعالیت افراد در بخش‌های مختلف جامعه و سپس میزان همدلی فزونی می‌یابد. سازوکار روانشناختی مشترکی مراحل مختلف فوق را همراهی می‌کند و آن همدلی افراد است که مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند. از نظر او هر قدر از طرف شخصیت سنتی به سوی شخصیت مدرن می‌رویم، میزان شهرنشینی، سواد، استفاده از رسانه‌ها و میزان مشارکت افزایش می‌یابد؛ همچنین به قول هومنز هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد.

وینر در بررسی عوامل و شرایط مؤثر بر تشکیل و رشد مشارکت مردم در امور اجتماعی - سیاسی به عواملی چون رشد نیروی کار در شهر، تنوع فرهنگی (قومی، زبانی، مذهبی) و گسترش ارتباطات جمعی اشاره می‌نماید (وینر، ۱۳۵۳).

به نظر لیپست کارگرانی که در اجتماع شغلی فعال هستند در امور تشکیلاتی فعال‌ترند؛ بنابراین درجه‌ی بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می‌آورد، متأثر از عواملی چون پایگاه شغلی است. او در بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی، متغیرهای اجتماعی مانند تحصیلات، شغل، درآمد، سن، جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل را مورد توجه قرار داده است.

لیپست در باب تأثیر شغل بر مشارکت اجتماعی - سیاسی معتقد است که فعالیت‌هایی که افراد تحت تأثیر مشاغل خود انجام می‌دهند، نه فقط بر مشارکت فردی آنان در شبکه‌ی ارتباطات سازمان‌یافته‌ی جامعه اثر می‌گذارد، بلکه بر توانایی آنان برای مشارکت اجتماعی - سیاسی تأثیر می‌گذارد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

مقاله‌ای تحت عنوان: مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری توسط زاهدانی و زهری بیدگلی (۱۳۹۱)، در دانشگاه شیراز انجام شده است. هدف این مقاله این است که با مطالعه‌ی مدل‌های شهری در نقاط مختلف جهان، ضرورت مشارکت شهروندان در شهرداری را تبیین نماید. در این پژوهش از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای - اسنادی و تجزیه و تحلیل ثانویه بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش

بیانگر آن است که شهرداری‌ها در کشورهای پیشرفته، پتانسیل مدیریت مشارکتی، را به بهترین نحو برای ایفای بهتر وظایف خود به کار گرفته‌اند و بدین ترتیب خود را از یک سازمان صرفاً خدماتی، به یک نهاد اجتماعی تبدیل نموده‌اند؛ اما شهرداری در جامعه‌ی ما بیشتر به‌عنوان یک سازمان خدماتی مطرح است و اگر شهرداری بخواهد خود را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی فعال مطرح نماید، به دو پیش‌نیاز احتیاج دارد؛ نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی باشد. دومین پیش‌نیاز اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می‌تواند در هم‌هی شهروندان نهادینه شود (زاهدانی و زهری بیدگلی، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۸۳).

میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه‌ی موردی: شهر گلوگاه) که توسط خواجه شاهکوهی و همکاران (۱۳۹۴)، در دانشگاه گلستان صورت گرفته است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری و شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان است. در راستای اجرای این هدف، از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده شده و اطلاعات به روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را خانوارهای شهر گلوگاه (۵۳۰۲) در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند که از میان آن‌ها و بر اساس فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۱۹۰ نفر سرپرست خانوار به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و با توجه به تعداد خانوار در هر یک از محلات پنجگانه، به منظور گردآوری اطلاعات، اقدام به توزیع پرسشنامه شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج آزمون آماری پیرسون بیانگر آن است که بین ویژگی‌های فردی شهروندان و میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری و احساس مالکیت شهروندان در یک محله و یا شهر تا سطح ۹۹٪ رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد؛ همچنین نتایج آزمون آماری کروسکال والیس نشان داد که بین محله‌های مختلف شهر از نظر میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری تفاوت معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهایی مانند نوع شغل، سطح تحصیلات، مدت سکونت و نوع مالکیت مسکن با میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری رابطه‌ی معنادار وجود دارد (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵-۱).

مشارکت شهروندان تهرانی در حوزه‌ی فعالیت‌های شهرداری (مطالعه‌ی موردی: شهروندان منطقه‌ی ۴) توسط عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، در دانشگاه تهران در سال ۹۰ انجام شده، مطالعه‌ی حاضر از نوع پیمایشی بوده که اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌ی مبتنی بر مصاحبه گردآوری شده و در تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آماری میانگین، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که مشارکت شهروندان در سطح پائینی بوده که تغییرات آن با استفاده از عواملی نظیر جنسیت، سطح تحصیلات، آگاهی و اطلاعات در حوزه‌ی مدیریت شهری، انتظار پاداش از مشارکت، عضویت انجمنی، سابقه‌ی سکونت در محله و علاقه و تمایل به آن قابل تبیین است (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۵۷).

در مجموع، مشارکت صرف‌نظر از اهداف آن، برای تحقق برخی مقاصد اجتماعی - سیاسی ضروری است، گر چه ممکن است جهت و مقصد این مشارکت تابع شرایط زمانی و مکانی باشد. با عنایت به مبانی تئوریک فوق‌الذکر و پیشینه‌ی پژوهش فرضیات این تحقیق عبارتند از:

- بین احساس رضایت‌مندی شهروندان از محیط شهری و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین احساس تعلق اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین مدت زمان سکونت شهروندان در یک محله با میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین سن و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین شغل و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.

ب) تحقیقات خارجی

هیگن در باب تئوری تغییر اجتماعی، به دگرگونی در الگوهای جامعه‌پذیری در انواع شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد اشاره می‌نماید که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی

تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب تفاوت در شخصیت، شکل‌گیری شخصیت و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن اساس تئوری تغییر اجتماعی هیگن است.

هیگن با بررسی نقش شناخت‌ها، ارزش‌ها و نیازهای انسانی استدلال می‌کند که یک شخصیت خلاق و نوآور، پدیده‌های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می‌بیند و تصور می‌کند دنیا برای او ارزش قایل است، بنابراین در صدد برمی‌آید اهمیت خود را برای محیط به اثبات برساند. چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه‌ی همکاری و مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار است.

بنابراین از نظر هیگن، انسان خلاق (مدرن) دارای ویژگی‌های اعتماد به نفس، انگیزه‌ی نظم و استدلال، انگیزه‌ی کمک و همکاری، انگیزه‌ی مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و نیز انگیزه‌ی پیشرفت است (هریسون، ۱۳۷۶).

مک‌کلند ساخت‌های شخصیتی را با تأکید بر خصیصه‌ی نیاز به پیشرفت و خلاقیت در مسیر تاریخی بررسی می‌کند. او معتقد است برای تحقق نوسازی، یک سلسله تغییرات مثبت در ساخت شخصیتی کنشگران اجتماعی لازم است. او ریسک‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را از عوامل مرتبط با پیشرفت می‌داند (هریسون، ۱۳۷۶).

هانتینگتون نیز عوامل پویای نوسازی را بر مبنای اقتدار خردمندان، تمایزپذیری ساخت‌ها و گسترش مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌داند. او مشارکت را در دو وجه اساسی توزیع قدرت درون یک نظام سیاسی و هماهنگ‌سازی موفقیت‌آمیز نیروهای اجتماعی تولیدی و مصرفی در یک نظام، توضیح می‌دهد. به نظر او در فرایند نوسازی و توسعه که تنوع و تمایز ساختاری و تخصصی شدن کارکردی و نهایتاً پیچیدگی ساختاری بوجود می‌آید به مشارکت مردم برای ایفای نقش‌های جدیدتر نیاز است (هانتینگتون، ۱۳۷۵).

به نظر هانتینگتون، بر حسب میزان و نوع مشارکت در نظام‌ها، می‌توان مدل سرمایه‌داری توسعه، مدل مردم‌گرایی، مدل لیبرال، مدل خودکامگی و مدل تکنوکراتیک را ملاحظه نمود (قوام، ۱۳۷۳).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است، زیرا علاوه بر ویژگی‌های جمعیتی، محیط اجتماعی، نوع فعالیت و نیز نگرش آنان می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. هدف

تحقیق حاضر، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه‌ی امور شهری مرتبط با شهرداری است.

تعاریف متغیرها

مشارکت اجتماعی سطوح فعالیت از عضویت ساده در انجمن‌ها تا فعالیت‌هایی در حوزه‌های مختلف اجتماعی به منظور طرح مشکلات و درخواست اصلاح و تغییر سیاست‌ها را در بر می‌گیرد (رضایی، ۱۳۷۵).

مشارکت عبارتست از: فعالیت‌های اداری و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳). مشارکت از نظر سطح (خرد، میانی و کلان)، از نظر انواع، بر حسب انگیزه‌های ایجاد آن (درون‌زا و برون‌زا)، بر حسب چگونگی دخالت مردم (مستقیم و غیر مستقیم)، بر حسب سطوح فراگیری (محلی، منطقه‌ای و ملی)، بر حسب کیفیت همکاری مردم (طبیعی، خودانگیخته، داوطلبانه، برانگیخته و تحمیلی یا اجباری)، بر حسب سطوح اجرایی و محتوی عملکردی (بهره‌مندی خدمات، ارزیابی خدمات، ارائه‌ی پیشنهاد، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت)، بر حسب موضوع و قلمرو اجرایی (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) حائز اهمیت است (طالب، ۱۳۷۵).

بدین ترتیب سطوح مشارکت شهروندان در امور شهری، در استفاده‌ی بهینه از خدمات شهری، در ارزیابی عملکرد و خدمات شهری، در ارائه‌ی پیشنهادات نسبت به خدمات شهری، در تصمیم‌گیری، در اجرا و در نظارت بر خدمات شهری قرار می‌گیرد. در این تحقیق ارتباط متغیرهای روانشناختی - اجتماعی مانند احساس رضایت‌مندی، احساس اعتماد شهروندان، متغیرهای محیطی مانند مدت زمان سکونت شهروندان و متغیرهای پیشینه‌ای مانند سن، جنس، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل شهروندان با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری مورد مطالعه قرار گرفت.

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین احساس رضایت‌مندی شهروندان از محیط شهری و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.

- ۲- بین احساس تعلق اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۳- بین مدت زمان سکونت شهروندان در یک محله با میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین جنسیت و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سن و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۶- بین شغل و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.
- ۸- بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه حاوی ۴۷ سؤال است. سؤالات شناسایی با معرفی متغیرهای پیشینه‌ای مشتمل بر ۱۲ سؤال، سؤالات مربوط به متغیرهای روانشناختی - اجتماعی مشتمل بر ۱۴ سؤال و متغیرهای محیطی مشتمل بر ۲۱ سؤال است که با انجام *Pre-test* مناسب بودن سؤالات پرسشنامه روشن شد؛ همچنین مقدار *Alpha* کل ۰/۷۶ که نشان می‌دهد که همبستگی درونی گویه‌ها مناسب است.

سؤال اساسی تحقیق برای سنجش میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی بر اساس مقیاس لیکرت، شامل میزان مشارکت در مراسم و جشن‌های ملی، میزان مشارکت در مراسم مذهبی، میزان مشارکت در انجمن‌های علمی، فرهنگی و هنری، میزان مشارکت در باشگاه‌های ورزشی یا انجمن‌های تفریحی، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله‌ای، میزان مشارکت در امور خیریه و عام‌المنفعه، میزان مشارکت در سخنرانی‌ها، میزان مشارکت در انتخابات، میزان مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی، میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد محله است که بر روی طیف از خیلی زیاد تا خیلی کم مدرج شده است.

جامعه‌ی آماری در تحقیق حاضر کلیه‌ی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شوشتر است که برای تعیین حجم نمونه، از فرمول آماری کوکران استفاده شده‌است و در مجموع ۳۷۳ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

- جمعیت جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق از میان شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شوشتر، انتخاب شدند که ۴۸ درصد جمعیت مورد مطالعه مرد و ۵۲ درصد زن بوده‌اند. ۱۶/۸ درصد از جمعیت مورد مطالعه کمتر از ۲۰ سال سن، ۳۰/۲ درصد بین ۲۰ الی ۲۹ سال، ۳۴/۷ درصد بین ۳۰ الی ۳۹ سال، ۶/۶ درصد بین ۴۰ الی ۴۹ سال، ۶/۹ درصد بین ۵۰ الی ۵۹ سال و ۲/۸ درصد از جمعیت مورد مطالعه ۶۰ سال و بالاتر بوده‌اند.
- در خصوص میزان تحصیلات پاسخگویان، ۲۱ درصد از شهروندان مورد مطالعه دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۴۹/۲ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۶/۱ درصد لیسانس، ۳/۷ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. در خصوص وضعیت تأهل پاسخگویان، ۶۹/۱ درصد مجرد، ۲۳/۸ درصد ازدواج کرده، ۱/۹ درصد بدون همسر در اثر متارکه و ۵/۲ درصد بدون همسر در اثر فوت همسر بوده‌اند.
- در خصوص بعد خانوار، ۹/۳ درصد پاسخگویان دارای بعد خانوار تا ۲ نفره، ۴۱/۴ درصد تا ۴ نفره، ۳۸/۴ درصد تا ۶ نفره و ۱۰/۹ درصد ۷ نفر و بیشتر بوده‌اند.
- در خصوص مدت زمان سکونت در محل، ۲۳/۲ درصد کمتر از ۵ سال در محل فعلی زندگی می‌نمایند، ۲۳/۸ درصد بین ۵ تا ۹ سال، ۲۱/۸ درصد بین ۱۰ تا ۱۴ سال، ۱۳/۶ درصد بین ۱۵ تا ۱۹ سال و ۱۷/۶ درصد ۲۰ سال و بیشتر در محل مورد سکونت فعلی زندگی کرده‌اند. ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان مالک واحد مسکونی خود هستند، ۲۷/۲ درصد اجاره‌ای و ۳ درصد واحد مسکونی در برابر خدمت، رایگان و غیره داشته‌اند.
- برای تعیین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان بر اساس مقیاس بیکر (۱۰ سؤال)، ۲۹/۲ درصد پاسخگویان میزان مشارکت اجتماعی پائین (کمتر از ۲۳ امتیاز)، ۶۵/۴ درصد مشارکت متوسط (۲۴ تا ۳۸ امتیاز) و ۵/۴ درصد مشارکت بالا (امتیاز ۳۹ و بالاتر) را کسب کرده‌اند.
- در خصوص میزان احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر، ۱/۵ درصد از پاسخگویان، پاسخ زیاد و بسیار زیاد، ۳/۳ درصد تا حدودی، ۲۵/۵ درصد کم، ۳۹/۳ درصد بسیار کم و ۳۰/۴ درصد پاسخ اصلاً را اعلام داشته‌اند. در خصوص میزان رضایت‌مندی از خدمات شهری، ۱۱/۵ درصد پاسخ زیاد و بسیار زیاد، ۱۷/۳ درصد تا حدودی، ۷۰/۷ درصد کم و بسیار کم را اعلام داشته‌اند.
- در خصوص معنی و مفهوم مشارکت اجتماعی از نظر شهروندان، ۴۲/۴ درصد از پاسخگویان با جمله «مشارکت یعنی ارائه‌ی کمک فکری» موافق هستند، ۵۷/۶ درصد

مخالف؛ ۸/۶ درصد با جمله مشارکت یعنی ارائه‌ی کمک مالی موافق هستند، ۹۱/۴ درصد مخالف؛ ۲۵/۳ درصد با جمله «مشارکت یعنی ارائه‌ی پیشنهاد» موافق هستند، حال آنکه ۷۴/۷ درصد مخالف هستند؛ ۱۶/۷ درصد با جمله «مشارکت یعنی همکاری عملی و اجرایی» موافق هستند، ۸۳/۳ درصد مخالف؛ ۴۴/۲ درصد با جمله «مشارکت یعنی رعایت قوانین و مقررات شهری» موافق هستند، ۵۵/۸ درصد مخالف؛ همچنین ۱۵/۹ درصد با جمله «مشارکت یعنی کمک در تصمیم‌گیری‌های محله‌ای» موافق هستند، ۸۴/۱ درصد مخالف.

جدول ۱: توزیع درصد میزان مشارکت شهروندان در سطوح مختلف

کم	متوسط	زیاد	مشارکت در امور شهری
۵۱/۷	۳۸/۸	۱۲/۵	میزان مشارکت در ارزیابی عملکرد خدمات شهری
۴۷/۴	۳۶/۳	۱۶/۳	میزان مشارکت در ارائه‌ی پیشنهاد
۳۶/۷	۳۷/۹	۲۵/۹	میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی
۴۰/۸	۳۵/۲	۲۴	میزان مشارکت عملی و اجرایی در امور شهری
۴۲/۳	۳۵/۷	۲۲	میزان مشارکت در نظارت بر امور شهری

جدول ۱ درصد میزان مشارکت شهروندان را نشان می‌دهد بر اساس داده‌های آن بیشترین میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی و کمترین آن مربوط به مشارکت در ارزیابی عملکرد خدمات شهری است.

جدول ۲: رابطه‌ی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و احساس تعلق اجتماعی

جمع	زیاد	متوسط	کم	میزان مشارکت اجتماعی
۳۶	۳	۴	۲۹	احساس تعلق اجتماعی کم
۲۴۴	۱۵۲	۴۰	۵۲	متوسط
۹۳	۶۳	۱۷	۱۳	زیاد
۳۷۳	۲۱۸	۶۱	۴	جمع

مقدار کاسکور ($X^2=21/40$) محاسبه شده با درجه‌ی آزادی $df=4$ در سطح معنی‌داری $p < 0/01$ ، رابطه‌ی معنی‌داری بین متغیر میزان مشارکت اجتماعی و احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر را نشان می‌دهد. بدین ترتیب هر چه احساس مالکیت بر اموال عمومی

شهر بیشتر باشد میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. بعبارت دیگر به میزان مشارکت شهروندان در حوزه‌ی امور شهری تابعی از متغیرهای روانی چون احساس مالکیت است.

جدول ۳: بررسی رابطه‌ی میزان مشارکت با احساس رضایت‌مندی اجتماعی

متغیرها	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
احساس رضایت‌مندی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی	۰/۶۱۴	۰/۰۰۲۱

برای بررسی رابطه‌ی بین متغیر مستقل احساس رضایت‌مندی اجتماعی با متغیر وابسته میزان مشارکت اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شده‌است چرا که این متغیرها در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند. داده‌ها نشان‌دهنده‌ی همبستگی معنی‌دار بین متغیر مستقل با وابسته است. به گونه‌ای که مقادیر همبستگی و سطح معنی‌داری (*sig*) آن مؤید این رابطه‌ها است و با توجه به علامت مثبت مقادیر همبستگی، جهت رابطه مثبت و مستقیم است؛ بعبارت دیگر هر چقدر احساس رضایت‌مندی اجتماعی بالا برود میزان مشارکت اجتماعی هم بهتر می‌شود. ضمن اینکه شدت همبستگی با توجه به مقادیر آن مناسب و نشان‌دهنده‌ی همبستگی نسبتاً قوی و متوسط بین متغیرهای مستقل با وابسته است.

جدول ۴: بررسی تفاوت میانگین میزان مشارکت بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	میانگین مشارکت	مقدار T و F	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	$t=4/48$	۰/۰۰۲۵
	زن		
وضعیت تأهل	متأهل	$t=3/30$	۰/۰۴۱
	مجرد		
طبقات اجتماعی	بالا	$F=7/87$	۰/۰۳
	متوسط		
	پائین		
سن	۱۸-۲۵	$F=2/17$	۰/۱۲
	۲۵-۴۰		
	بالای ۴۰		
شغل	شاغل	$t=6/12$	۰/۰۰۷
	بیکار		
تحصیلات	پایین	$F=8/10$	۰/۰۱۲
	متوسط		
	بالا		
مدت زمان سکونت شهروندان	کمتر از ۱۰ سال	$F=7/10$	۰/۰۴۶
	۱۰-۲۰		
	بالای ۲۰ سال		

بر طبق آزمون به عمل آمده، میزان مشارکت اجتماعی زنان از مردان بیشتر است. بنابراین بین متغیر میزان مشارکت اجتماعی و متغیر جنسیت در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ رابطه وجود دارد؛ همچنین بر اساس یافته‌ها جدول رابطه‌ی معنی‌داری بین متغیر مشارکت اجتماعی و متغیر سطح تحصیلات وجود دارد؛ به گونه‌ای که میانگین مشارکت در سطوح تحصیلی بالا بیشتر است.

یافته تفاوت میزان مشارکت را در بین شاغلین و غیر شاغلین تأیید می‌کند. هر چند که به لحاظ سن تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های سنی مشاهده نگردید. اما میانگین نمره‌ی مشارکت اجتماعی در طبقات مختلف به لحاظ آماری و بر اساس مقدار f معنی‌دار می‌باشد و میزان مشارکت در طبقات متوسط و بالا بیشتر است.

به لحاظ وضعیت تأهل داده‌های آماری بیانگر مشارکت بیشتر متأهلین در حوزه‌ی امور شهری است از این‌رو می‌توان گفت بین دو متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان و

وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد؛ همچنین بر اساس آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه به منظور نمایش تفاوت میانگین نمره‌ی مشارکت اجتماعی بر حسب مدت زمان سکونت در محل، مقدار آزمون فیشر $F=7/10$ در سطح $0/04$ معنی‌دار است. پس می‌توان گفت بین دو متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان و مدت زمان سکونت در محل رابطه وجود دارد. هر چه مدت زمان سکونت در محل بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی شهروند بیشتر می‌شود.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون چند متغیره جهت تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان بر اساس

متغیرهای مستقل

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	اشتباه معیار برآورد مدل
مقادیر	۰/۶۵	۰/۴۲	۹/۰۷

جدول ۶: ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	مقدار T	سطح خطا Sig
	B	$Std.Error$			
احساس تعلق اجتماعی	۲/۰۸	۱/۱۷	۰/۵۱	۱/۷۷	۰/۰۴۱
تحصیلات	۰/۲۲	۱/۰۹	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۰۳۹
طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی	۰/۱۵	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۰۰۱
احساس رضایت‌مندی	۵/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۲/۶۹	۰/۰۰۹
عضویت گروهی	۰/۲۶۷	۰/۰۹۲	۰/۱۶۹	۲/۶۹۶	۰/۱۴۰
مدت زمان سکونت	۱/۳۷	۰/۴۵	۰/۲۹	۱/۴۲	۰/۰۰۲
جنسیت	۰/۴۸	۰/۰۷	۰/۰۹	۳/۵۰	۰/۰۴

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیری به روش *Enter* و مطابق با داده‌های جدول در تعیین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R=0/65$ و ضریب تعیین $0/42$ بدست آمده است یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی‌دار موجود در مدل می‌توان تا حدود ۴۲ درصد واریانس مشارکت اجتماعی شهروندان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده، متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود احساس تعلق اجتماعی با بتای $B=0/51$ ، احساس رضایت‌مندی با $B=0/42$ ، طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی با $B=0/40$ ،

تحصیلات با $B=۰/۳۱$ ، مدت زمان سکونت با $B=۰/۲۹$ و جنسیت با $B=۰/۰۹$ به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان دارند.

نتیجه‌گیری

مردم از طریق مشارکت در تصمیمات، بهتر می‌توانند از دانش، تجربه، فراست و بصیرت آنهایی که کار را عرضه می‌کنند، با توجه به بهبود روش‌ها در جهت بهبود و گسترش روابط کار در سازمان‌ها و جامعه مفید فایده باشند. بر اساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

رابرت دال در تحقیق خود رویکرد رفتارگرایی اجتماعی از مشارکت، معتقد است چنانچه افراد نسبت به پاداش ناشی از عمل مشارکتی باور نداشته و یا دریافت آن را دوردست ببینند، تمایل کمتری برای مشارکت خواهند داشت؛ همچنین دال بیان می‌دارد که بین میزان تصور فرد از کارآیی‌اش و میزان مشارکت او ارتباط وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که تصور می‌کنند کارآیی بیشتری در امور مشارکتی دارند، میزان مشارکت آنها بیشتر است. نتیجه‌ی تحقیق حاضر نیز مؤید این نظر است، بطوری که ارتباط معنی‌داری بین میزان توانایی شهروندان برای کنش‌های مشارکتی در امور شهری و میزان مشارکت آنها وجود دارد. بر این اساس هر قدر شهروندان احساس قوی‌تری برای فعالیت‌های مشارکتی خود داشته باشند به همان نسبت بر میزان مشارکت آنها افزوده خواهد شد. لیپست در مطالعه‌ی خود در حوزه‌ی مشارکت و عوامل مرتبط با آن درباره‌ی کشورهای غربی دریافت: مردان بیشتر از زنان مشارکت دارند، تحصیل کرده‌ها بیشتر مشارکت دارند، شهرنشینان بیش از روستائیان، افراد سنین ۳۵ تا ۵۵ سال بیش از جوان‌ترها، متأهلین بیش از مجردین، ساکنین قدیمی محله بیش از تازه واردین، مشارکت دارند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که میزان مشارکت زنان بیش از مردان، متأهلین بیش از مجردین و مشارکت ساکنین قدیمی محله بیش از تازه واردین بوده که همسو با نتایج لیپست بوده است.

جمعیت نمونه‌ی تحقیق از شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شوشتر انتخاب شدند. در بین سؤالات پرسشنامه به متغیرهایی مانند سن، جنس، محل تولد، میزان تحصیلات، شغل، بعد خانوار، وضعیت تأهل، مدت زمان سکونت در محل، توجه شد؛ همچنین در مورد

سطح مشارکت اجتماعی پاسخگویان، یافته‌ها نشان داد که ۲۹/۲ درصد مشارکت اجتماعی پائین، ۵۶/۴ درصد مشارکت اجتماعی متوسط و ۱۴/۴ درصد مشارکت اجتماعی بالا داشته‌اند.

در این تحقیق رابطه‌ی معنی‌داری بین میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری و متغیرهای میزان تحصیلات و شغل ملاحظه شد. البته باید توجه داشت که در تحقیقات دیگر با ابعاد وسیع‌تر ممکن است نتایج دیگری بدست آید. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان احساس رضایت‌مندی از محیط شهری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. این امر در مورد وضعیت تأهل نیز صادق است.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که هر گاه طرز تلقی از مفهوم مشارکت به ارائه‌ی پیشنهادات تعبیر شود میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد، ولی هر گاه طرز تلقی از مفهوم مشارکت بعد مالی و پرداخت وجه یا بعد عملی و اجرایی به خود گیرد، میزان مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و مدت زمان سکونت آنها در محل ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

پیشنهادات

در خصوص ارائه‌ی پیشنهادات، نکته‌ی مهم و اساسی این است که با توجه به اینکه نتایج تحقیق نشان داد که میزان تعلق اجتماعی شهروندان ضعیف است و شهروندان نسبت به محیط زندگی خود احساس تعلق و یگانگی ندارند. ساختار زندگی شهری شرایطی را ایجاد نموده که منافع عمومی در مقابل منافع شخصی رنگ باخته است. فردی که از روستا به شهر مهاجرت می‌کند، بعد از اقامت بعنوان شهرنشین محسوب می‌شود اما هنگامی که با قوانین و مقررات و مناسبات محیط جدید آشنا می‌شود، آن را پذیرفته و قواعد آن را رعایت نماید شهروند خواهد شد، و چنانچه نسبت به آن احساس تعلق نماید، منافع عمومی برای او به اندازه‌ی منافع فردی اهمیت می‌یابد و در این شرایط مشارکت اجتماعی در امور شهری خواهد داشت. پیشنهاد می‌شود با افزایش برنامه‌های آموزش فرهنگی و اجتماعی، حقوق زندگی شهری به شهروندان شناسانده شود تا زمینه‌ی مشارکت اجتماعی آنان در مدیریت شهری فراهم‌تر شود.

این تحقیق نشان داد که شهروندان مورد مطالعه نزدیک‌ترین مفهومی که از مشارکت اجتماعی در ذهن خود دارند مشارکت در رعایت قوانین و مقررات شهری و مشارکت در ارائه‌ی کمک فکری بوده است و دورترین مفهومی که از مشارکت در ذهن داشته‌اند

مشارکت عملی و اجرایی بوده است؛ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شهروندان در اموری که جنبه‌ی قانونی پیدا می‌کند و جزء الزامات زندگی شهری است (نظیر رعایت قوانین و مقررات شهری) و نیز در اموری که آسانتر می‌باشد (ارائه‌ی پیشنهاد و نظر) آمادگی بیشتری برای مشارکت دارند؛ بنابراین مشارکت شهروندان در چارچوب مقررات و قوانین بیشتر امکان‌پذیر خواهد بود.

آگاهی‌های عمومی و وابستگی‌های اجتماعی در افزایش مشارکت مردم در همه‌ی امور از جمله حوزه‌ی شهری نقش مهمی دارد. یکی از دلایل شرکت فرد در امور سیاسی و اجتماعی پیوستن به جمعیتی است که به گونه‌ای آرزوها، ارزش‌ها، نارضایتی‌ها و برداشت‌های او را منعکس می‌کنند لذا تقویت آگاهی مردم در حوزه‌های مختلف ضروری است.

پیشنهاد می‌شود برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری، مدیریت محلی در سطوح مختلف شهری تقویت شود و از حالت تمرکزگرایی در امور مختلف برنامه‌ریزی، اجراء و نظارت که منجر به کاهش میزان مشارکت شهروندان می‌شود پرهیز شود.

فهرست منابع:

- اوپنهایم، ا. ان (۱۳۹۶). طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه‌ی مرضیه کریم‌نیا، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- بیرو. آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۱). طرح آسیب‌ها و انحرافات و رابطه‌ی آن با مشارکت اجتماعی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲). "وفاق جمعی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جلد دوم، شماره‌ی ۳.
- حامدمقدم، احمد (۱۳۷۰). مشارکت و توسعه‌ی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم.
- خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ نجفی کانی، علی‌اکبر؛ خوش‌فر، غلامرضا و شفایی، سپیده (۱۳۹۴). "میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه‌ی موردی: شهر گلوگاه)"، فصلنامه‌ی آمایش محیط، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۹.
- دواس، دی، ا. (۱۳۷۵). روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، ترجمه‌ی مریم رفعت‌جاه و همکاران، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). "مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۱۱۰.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۰). کند و کاوها و پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و زهری بیگدلی، سید محسن (۱۳۹۱). "مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری"، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری) دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۵.
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۷۶). "مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه"، مجله‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی دوم.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۲). "مشارکت مردم در مدیریت"، ماهنامه‌ی جهاد، تهران، سال ۱۳، شماره‌ی ۱۶۲، تیر.
- شایگان، فریبا (۱۳۷۸). عوامل مؤثر بر حضور و مشارکت مردم در مساجد در سه منطقه‌ی تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

- طالب، مهدی (۱۳۷۵). مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداله پور، جمال؛ مختارپور، حسن و مختارپور، رجبعلی (۱۳۹۲). "مشارکت شهروندان تهرانی در حوزه‌ی فعالیت‌های شهرداری (مطالعه‌ی موردی: شهروندان منطقه‌ی ۴)"، دو فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۳۱.
- عمر، سالیما (۱۳۶۵۹). دموکراسی مشارکتی و نهادهای توسعه‌ی مشارکتی، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳). توسعه‌ی سیاسی و تحول اداری، تهران، انتشارات قومس، چاپ دوم.
- کیوی، ریمون و همکار (۱۳۷۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران، انتشارات نی.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳). "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملی، بررسی رابطه‌ی میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی"، نامه‌ی پژوهش، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، شماره‌ی یک، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- منصورفر، کریم (۱۳۷۳). روش‌های آماری، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- هریسون، دیوید (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه‌ی علیرضا کلدی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- وینر، مایرون (۱۳۵۳). نوسازی جامعه، ترجمه‌ی رحمت مقدم مراغه‌ای، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتب جیبی.